



من آنِ توام!

سی پارهٔ گم شده از مُصحفِ خاموشان
دکتر عبدالحمید ضیایی

انتشارات سوره مهر (وابسته به حوزه هنری)

مرکز آفرینش های ادبی / دفتر پژوهش



من آن توام!

سی پاره گم شده از مُصحف خاموشان

نویسنده: دکتر عبدالحمید ضیایی

طراح جلد: مسعود طاهری

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: واژه پرداز اندیشه - چاپ اندیشه

چاپ اول: ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۲۵۰ نسخه

کتاب: ۵-۲۹۱۰-۰۳-۶۰۰-۹۷۸

نقل: چاپ نوشته ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

برشتا: م. ضیایی، سید عبدالحمید، ۱۳۵۴-

و ناه: من آن توام: سی پاره گم شده از مُصحف

خاموشان / عبدالحمید ضیایی.

مشخصات: تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهر: ۵-۲۹۱۰-۰۳-۶۰۰-۹۷۸

ISBN: 978-600-03-2910-5

وضعیت فهرست نویسی: فیا

عنوان دیگر: سی پاره گم شده از مُصحف خاموشان.

موضوع: قطعه های ادبی -- قرن ۱۴

موضوع: *literary passages -- 20th century

شناسه افزوده: شرکت انتشارات سوره مهر

رده بندی کنگره: ۸۱۳۹۸ م ۲۱۴۷ ی / PIR ۸۱۴۲

رده بندی دیویی: ۸۶۲/۸۱۴

شماره کتاب شناسی ملی: ۵۶۱۴۱۷۳

نشانی: تهران، خیابان حافظ، خیابان رشت، پلاک ۲۳

صندوق پستی: ۱۵۸۱۵-۱۱۴۴

تلفن: ۶۱۹۴۲ سامانه پیامک: ۳۰۰۵۳۱۹

تلفن مرکز بخش: (پنج خط) ۶۶۴۶۰۹۹۳ فکس: ۶۶۴۶۹۹۵۱

www.sooremehr.ir

- ۱۲ | پارۀ نهم: بگوید دُهل‌ها و دگر هیچ مگویند!
- ۱۸ | پارۀ نهم: نخبین باران جهان
- ۲۲ | پارۀ سوم: مزه‌سخت با ظلم، ولیکن ...
- ۲۸ | سخنی با مؤلف
- ۳۴ | پارۀ چهارم: حالا چرا تسبیح؟
- ۴۰ | پارۀ پنجم: کسی که کفر ندارد سلب ندارد!
- ۴۶ | پارۀ ششم: خوش کافر کی است این شهاب!

- ۵۳ | پاره هفتم: دورِ خودت بچرخ! یازِ خودِ تویی! ...
- ۵۶ | پاره هشتم: زیچّه کودکانِ کویش کردی!
- ۶۰ | پاره نهم: و من مر دریاست!
- ۶۴ | پاره دهم: از رونمِ شارتنِ است ...
- ۷۰ | پاره یازدهم: تنه بیستم، هستند!
- ۷۴ | پاره دوازدهم: رازِ شاید همینِ عدمِ حضورِ تو باشد

- ۷۸ | پارۀ نوزدهم: یک نمدی پسامدرن بر متنی کلاسیک
- ۸۲ | پارۀ چهاردهم: عناینۀ ذاتِ تهی‌اش برگردان!
- ۸۶ | پارۀ پانزدهم: دیدارِ شمس با شمس
- ۹۰ | پارۀ شانزدهم: خود عریس در جهان چون شمس نیست!
- ۹۴ | پارۀ هفدهم: آیا خداوند هم نقیّہ کرد است؟
- ۹۸ | پارۀ هجدهم: از تناقض‌هایِ دل بُستہ کست

- ۱۰۰ | پاره نودهم: أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ
- ۱۰۴ | پاره بیست و یکم: تا نَمُردی، نَبُردی!
- ۱۰۸ | پاره بیست و یکم: ابوتی برای پدرم، گهواره‌ای برای پسر
- ۱۱۲ | پاره بیست و یکم: از راجی که بودا می‌بَرَد!
- ۱۱۶ | پاره بیست و سوم: وفا نیست هنوز!
- ۱۲۰ | پاره بیست و چهارم: هشیاری در عینِ مستی

- ۱۲۴ | پاره بیست و پنجم: به وقت نیامدن ...
- ۱۲۸ | پاره بیست و ششم: عاشق خویشم!
- ۱۳۲ | پاره بیست و هفت: دبیلا! کسی نمی‌گردد
- ۱۳۶ | پاره بیست و هشتم: متن کار! یحیٰ سرگشاده و خواهی
- ۱۴۴ | پاره بیست و نهم: اورادی از حلول بار و تناسخ باران
- ۱۴۸ | پاره سی‌ام: پلک‌هایم دارد سنگین می‌شود ...

درخواست و بیست و نهم: این بود که خنیاگر و قولان شهر
پیشانی‌ش چنان‌دامن تراشیده دل‌انگی بخوانند و در میان او با
سرور و شادی به خاک سپارند.

تسلی‌بخشی دل‌ساز را ادا کرد؛ هشت گروه از قولان و
خنیاگران پیشانی‌ش را در صلاح‌الدین تقصیرایی کردند بعد هم
پیر و پسران، سماع کش، المانی را به اورستان می‌بردند و کلاه تریه
استیلا می‌کردند و چوب‌های کلاه را به آتش می‌زدند و